

فصل ششم: کودک و نوجوان و عاشورا

<?xml encoding="UTF-8?">

کودک و نوجوان و عاشورا

یکی از جلوه های باشکوه حرکت کاروان امام حسین علیه السلام ، حضور کودکان همراه امام حسین علیه السلام و خاندان مکرم ایشان است. این حضور شورانگیز به شکوه حرکت امام حسین علیه السلام رنگ و بوی خاصی بخشید. برخی از این جلوه ها عبارتند از:

علی اصغر علیه السلام

یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام نوزاد شیرخواری بود که از تشنگی در روز عاشورا بی تاب شده بود. امام، خطاب به دشمن فرمود: «از یاران و فرزندانم، کسی جز این کودک نمانده است. نمی بینید که چگونه از تشنگی بی تاب است؟» در «نفس المهموم» آمده است که فرمود: «إِنْ لَمْ تَرَ حَمُونِي فَأَرْحَمُوا هَذَا الطُّفْلَ» و در حال گفت وگو بود که تیری از کمان حرمله آمد و گوش تا گوش حلقوم علی اصغر را درید. امام حسین علیه السلام خون گلوی او را گرفت و به آسمان پاشید.

رقیه

دختر سه یا چهار ساله ابا عبدالله الحسین علیه السلام است که در سفر کربلا، همراه اسیران اهل بیت بود و در شام، شبی، پدر را به خواب دید و پس از بیدار شدن بسیار گریست و بی تابی کرد. خبر به یزید رسید. به دستور او، سر مهتر امام علیه السلام را نزد او بردند. رقیه از این منظره، بیشتر ناراحت و رنجور شد و همان روزها در خرابه شام (که محل اقامت موقت اهل بیت علیهم السلام بود) جان داد.

امام محمدباقر علیه السلام

تنها فرزند امام سجاد علیه السلام بود. مادر بزرگوارش، فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام معروف به ام عبدالله است. در کربلا، سه سال و نیم بیشتر نداشت و حوادث خونین عاشورا و دوران اسارت را در حافظه خویش ثبت کرد.

قاسم بن الحسن

نوجوانی نابالغ بود که روز عاشورا در کربلا حضور داشت. وی فرزند امام حسن علیه السلام بود و برخی مادرش را رمله و برخی نفیله می دانند. وی با اصرار زیاد، عمویش حسین علیه السلام را راضی کرد تا به میدان برود. حمید بن مسلم می گوید:

«در این گیر و دار بودیم که دیدم پسرکی به سوی ما می آید که چهره اش همانند پاره ماه بود. در دستش، شمشیری و در تنش، پیراهنی و ازاری و نعلینی پوشیده بود که بند یکی از آن دو پاره بود و فراموش نمی کنم که آن بند کفش پای چپش بود. عمرو بن سعید بن نفیل از وی چون او را دید، گفت: «به خدا سوگند! اکنون بر او حمله می برم.» به او گفتم: «سبحان الله! تو از این کار چه هدفی داری؟ همان کسانی که دور او را گرفته اند و حتی یک نفر از ایشان را باقی نمی گذارند، او را کفایت می کنند.» گفت: «به خدا سوگند! من بر او حمله خواهم کرد». سپس بر او حمله کرد و پیش از آنکه این نوجوان روی برگرداند، با شمشیر چنان بر سرش کوبید که فرقهش شکافته شد. پسرک با صورت به زمین افتاد و فریاد زد: «ای عمو جان!» و با این کلمه از حسین علیه السلام یاری خواست.

در زیارت ناحیه مقدسه درباره وی چنین آمده است:

«سلام بر قاسم، پسر امام حسن علیه السلام، آن نوجوانی که دشمن فرقهش را شکافت و لباس جنگی اش را ربود. آن گاه که عمویش، حسین علیه السلام را به کمک طلبید، مانند باز تیزپروازی بر بالین او حاضر شد. در این هنگام، امام فرمود: «از رحمت خدا دور باشند قومی که تو را کشتند. آنان که جد و پدر بزرگوار تو در روز قیامت، دشمنشان است».

سپس حسین علیه السلام پیکر او را از زمین برداشت و به سینه چسبانید و به جانب خیمه ها برد، درحالی که پاهای آن نوجوان، به زمین کشیده می شد و در کنار فرزند جوانش علی اکبر و دیگر شهیدان خاندان خویش بر زمین نهاد.

عبد الله بن حسن بن علی علیه السلام

وی نوجوان 11 ساله و فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام بود که روز عاشورا وقتی دید سید الشهداء علیه السلام بر زمین افتاده است، برای دفاع از عموی مظلومش به سوی میدان شتافت و جنگید و عده ای را کشت و با تیغ بحر بن کعب به شهادت رسید. برخی هم نقل کرده اند، حمله با شمشیر، دست او را که در آغوش عمویش حسین علیه السلام قرار گرفته بود، برید و همان جا شهیدش کرد.

عون بن عبدا...

عون، فرزند حضرت زینب علیهاالسلام در کربلا و روز عاشورا همراه مادرش، حضوری فعال داشت و به شهادت رسید. این نوجوان شجاع نزد امام آمد و با اصرار مادرش، حضرت اجازه فرمود که به میدان برود. وی شماری از دشمنان را به هلاکت رساند و سرانجام به شهادت رسید. رجزی که در میدان جنگ می خواند، چنین بود: «اگر مرا نمی شناسید من پسر عبدالله جعفرم همان که در بهشت با دو بال پرواز می کند...».

در زیارت ناحیه مقدسه آمده است:

«سلام بر عون فرزند عبدالله بن جعفر، همان طیار بهشت، هم پیمان ایمان، همآورد همگنان، یاور خدای رحمان و تلاوت کنندگان قرآن. خداوند، قاتل او عبدالله بن قطبه طایی را لعنت کند.

محمد بن عبدالله

محمد بن عون عبدالله نیز شجاعانه قدم به میدان گذاشت و خود را معرفی کرد و در یک نبرد سنگین، سه سوار و هجده پیاده از دشمنان خدا را به دوزخ فرستاد و سرانجام به شهادت رسید.

در زیارت ناحیه مقدسه آمده است:

«سلام بر محمد بن عبدالله بن جعفر که جایگاه جدش را در بهشت دید و پس از برادرش، به شهادت رسید و نگه دار بدن برادر بود. خداوند، قاتل او عامر بن نهشل تمیمی را لعنت کند».

طفلان مسلم

محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ، مدت یک سال در زندان بودند. سپس با کمک «مشکور»، پیرمرد زندان بان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. شب به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن زیاد بود. حارث، آن دو را کنار رود فرات برد و بی رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند و سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن زیاد برد.

عمرو بن جُناده انصاری

از شهیدان نوجوان کربلا است که پدرش در رکاب سیدالشهداء علیه السلام شهید شد. او هنگامی که خواست به میدان برود، امام فرمود: «پدر این جوان کشته شد، شاید مادرش راضی نباشد که به میدان رود.» گفت: مادرم دستور داده که به میدان بروم و لباس جنگ بر من پوشانده است. او که 9 یا 11 ساله بود، به میدان رفت و رجز خواند و جنگید تا کشته شد. نام او در زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

عبدالله بن مسلم

عبدالله، فرزند مسلم بن عقیل، نوجوانی بود که همراه دایی و مادرش در کربلا حضور داشت. مادر او رقیه، دختر علی علیه السلام است. عبدالله در روز عاشورا، با اجازه حسین علیه السلام به میدان نبرد رفت و این رجز را خواند: «امروز پدرم، مسلم و جوانانی را که در راه دین رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده اند، ملاقات می کنم».

عبدالله شماری از مردان جنگی دشمن را در سه حمله از پای درآورد و سرانجام به دست عمرو بن صبیح صیداوی و اسد بن مالک به شهادت رسید.

محمد بن مسلم

نوجوانی 12 یا 13 ساله بود که روز عاشورا در کربلا با امام حسین علیه السلام شهید شد. پس از شهادت عبدالله بن مسلم، جوانان بنی هاشم به طور دسته جمعی، بی اجازه بر دشمن حمله کردند. امام حسین علیه السلام فریادی کشید و آنان را از حمله گروهی بازداشت و با صدایی رسا فرمود: «ای پسر عموهای من! برای مرگ، شکبیا باشید.» جوانان اهل بیت، دست از حمله برداشتند و بازگشتند، ولی در این فاصله، محمد بن مسلم (فرزند دیگر

مسلم بن عقیل) به دست ابومرهم ازدی و لقیط بن ایاس جُهنی به شهادت رسید.

عمرو بن الحسن

یکی دیگر از کودکانی است که در کربلا حضور داشت و پس از حادثه عاشورا اسیر شد. نقل شده است روزی یزید به او گفت: آیا با پسرم عبدالله کشتی می گیری؟ عمرو بن الحسن گفت: نیرویی برای کشتی ندارم ولی با یک چاقو به من و یک چاقو هم به او بده تا با هم بجنگیم. اگر او مرا کشت، من به جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام می پیوندم و اگر من او را بکشم، او به جدش ابوسفیان و پدرش معاویه خواهد پیوست.

یزید گفت: «این خویی است که من می شناسم. مار جز مار نمی زاید؟». کنایه از اینکه عمرو بن الحسن، شجاعت و دلاوری را از پدران و اجداد خود به ارث برده است.

نقش کودکان و نوجوانان در نهضت حسینی علیه السلام

در جنگ ها، اگر نیروهای نظامی در برابر یکدیگر قرار بگیرند، مردم تلفات جانی و مالی آن را عادی می دانند و عواطف آنان جز برای مدتی کوتاه برانگیخته نمی شود. با این حال، اگر جنگ به شهرها و مناطق غیرنظامی سرایت کند و زنان و کودکان و نوجوانان و افراد بی طرف، طمع آتش جنگ شوند، حتی انسان های سنگ دل و بی عاطفه نیز عاملان آن را سرزنش می کنند. در واقعه عاشورا، کودکان و نوجوانان همپای بزرگ سالان، نقش مؤثری ایفا کردند که در سه جنبه قابل بررسی است:

الف) زنده نگه داشتن یاد عاشورا

شهادت و اسارت کودکان و نوجوانان در کربلا، دل سنگ را می شکند و دیده هر خشک چشمی را تر می کند و این مسئله، سبب زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا می شود.

ب) هدایت گنه کاران

شهادت کودکان و نوجوانان سبب هدایت گنه کاران می شود؛ زیرا عواطف آنها را برمی انگیزد و آنها را متأثر می سازد و اشکشان را جاری می کند. آشکارا است که اشک چشم، آلودگی های دل را شست و شو می دهد و هنگامی که این مسئله تکرار شود، سرانجام چشم دل او باز می شود و چراغ پر فروغ هدایت و کشتی نجات را می بیند و به آن سو حرکت می کند.

ج) پیام رسانی نهضت عاشورا

کودکان و نوجوانان عاشورا یا جنگیدند و به شهادت رسیدند یا به اسارت درآمدند و پیام نهضت عاشورا را به مردم رساندند.

ویژگی های الگویی کودکان و نوجوانان عاشورایی

الگوپذیری و سرمشق گرفتن از رفتار دیگران از ویژگی هایی است که به حکم آفرینش در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است. این ویژگی در گروه سنی کودک و به ویژه نوجوان نمود بیشتری دارد. به همین دلیل، در این قسمت، برخی از ویژگی های کودکان و نوجوانان حاضر در کربلا را که قابلیت الگودهی به کودکان و نوجوانان امروزی را دارند، بیان می کنیم:

الف) ولایت پذیری

کودکان و نوجوانان عاشورایی، تسلیم مطلق مقام ولایت امام زمان خود بودند و در راه دفاع از امام و آرمان های او تا پای فدای جان پیش رفتند.

- پیام برای کودکان و نوجوانان امروز:

1. مقام ولایت را بشناسیم.
2. از اوامر و نواهی مقام رهبری اطاعت کنیم.
3. از مقام رهبری - که دنباله ولایت خدا، پیامبراعظم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است - دفاع کنیم.

ب) عشق به شهادت

یکی از الگوهای رفتاری آنان، عشق به شهادت و نهراسیدن از مرگ بود. هنگامی که امام حسین علیه السلام نظر قاسم بن الحسن علیه السلام را درباره مرگ می پرسد، می گوید: «عموجان! مرگ در راه خدا و در رکاب تو، نزد من از عسل شیرین تر است».

- پیام:

- معنی شهادت را درک کنیم.
- از سختی ها و مرگ نهراسیم.
- مقام و رتبه شهید را بشناسیم.

ج) شجاعت و شهامت

نوجوانان عاشورایی با وجود کمی سن، مردانه در مقابل دشمن وحشی و سنگل دل ایستادند و جنگیدند. آنان هنگامی که پای در میدان نبرد می گذاشتند، با شجاعت هرچه تمام، ابتدا خود را معرفی می کردند و سپس در میدان جنگ ده ها مرد جنگی را از پای در می آوردند.

قاسم بن الحسن علیه السلام ، هنگامی که به میدان می رود، با جسارت هرچه تمام، خود را چنین معرفی می کند: «اگر مرا نمی شناسید، پس بدانید من فرزند امام حسن علیه السلام نوه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستم».

به روایتی، وی در میدان جنگ، 35 مرد جنگی را از پای درآورد.

عون فرزند حضرت زینب علیهاالسلام نیز در میدان جنگ چنین می گوید: «اگر مرا نمی شناسید، من پسر جعفر طیارم! آن شهید راستینی که در بهشت می درخشد و با بال سبزی که خداوند به او عطا فرموده است، پرواز می

کند. این افتخار، برای من و او در محشر کافی است».

او 21 سپاهی را به یزید دوزخ فرستاد.

پیام:

- در برابر دشمنان باید شجاع بود.
- در برابر سختی ها و مشکلات زندگی باید با شهامت و دلیری ایستادگی کرد.
- در برابر توطئه های دشمن باید از تمامی وسایل ممکن استفاده کرد.

(د) رعایت ادب و اجازه گرفتن از بزرگ تر

تمامی نوجوانان حاضر در کربلا، هنگامی که قصد رفتن به میدان را داشتند، نزد امام حسین علیه السلام آمدند و از ایشان اجازه گرفتند.

پیام:

- همواره و در تمامی لحظات باید به بزرگ تر از خود احترام گذاشت.
- در انجام کارها به ویژه کارهای مهم باید به بزرگ ترها اطلاع بدهیم.
- در انجام کارها، بر بزرگ ترها پیش دستی نکنیم.

(ه) توجه به نماز و ارتباط با خدا

کودکان و نوجوانان عاشورایی در سخت ترین لحظات، نماز به جای آوردند. فرزندان مسلم پیش از شهادت، از قاتل خود درخواست کردند که نماز بخوانند. هنگامی که او اجازه داد، وضو گرفتند، دو رکعت به جای آوردند و دست به مناجات با خدا برداشتند و گفتند: «ای خداوند حی داور! بین ما و این مرد، تو خود، دآوری فرما!».

پیام:

- هیچ گاه نماز را ترک نکنیم.
- نماز، بهترین راه ارتباط با خداست.
- نماز در مشکلات، تسلی دل و مایه صبوری و بردباری است.

(و) معرفت بالای دینی و جانبازی در راه اسلام

شناخت حق از باطل و معرفت بالا، نسبت به تعالیم دین و آشنایی با انحراف دین از ویژگی های آنان بود. محمد با اینکه نوجوانی بیش نیست، هنگام رجزخوانی در میدان جنگ می گوید: «از دشمنان کوردل و پستی که به جنگ ما آمده و دستورهای قرآن را وارونه کرده و کفر و طغیان را آشکار کرده اند، به خداوند شکایت می کنم. سپس شجاعانه جنگید و به همراه عون به شهادت رسید.

امام محمد باقر علیه السلام که در کربلا کودک خردسالی بیش نبود، وقتی یزید تصمیم به کشتن پدرش امام سجاد علیه السلام می گیرد و نظر مشاورانش را در این زمینه می خواهد و آنها پاسخ مثبت می دهند، به یزید می فرماید: «ای یزید! اینها برای خوشایند تو، برخلاف هم نشینان فرعون رأی دادند. آن گاه که فرعون درباره موسی و هارون با آنها مشورت کرد، گفتند: موسی و برادرش را مهلت بده! اما اینان رأی به کشتن ما دادند و این بی علت نیست.»

یزید گفت: علت آن چیست؟

فرمود: «آنها عاقل بودند و اینها نادان؛ زیرا جز حرام زادگان، پیغمبران و فرزندان آنان را نمی کشند.» یزید سر به زیر انداخت و از کشتن امام سجاد علیه السلام صرف نظر کرد.

پیام:

- باید از مفاهیم دینی درک عمیق پیدا کرد.
- باید اطلاعات و معلومات دینی خود را بالا ببریم.
- در برابر توطئه های دشمن باید هشیار باشیم.

(ز) حس مسئولیت نسبت به کوچک تر از خود

هنگامی که قاتل می خواهد سر فرزندان مسلم را از تن جدا کند، برادر بزرگ تر ابتدا از قاتل می خواهد که چون مادر، برادر کوچک تر را به او سپرده است، ابتدا او را بکشد تا شاهد کشته شدن برادر کوچک تر خود نباشد.

پیام:

- علاقه و محبت شدید نسبت به برادر.
- وظیفه شناسی و احساس مسئولیت نسبت به کوچک تر از خود.

(ح) وفاداری

کودکان و نوجوانان عاشورایی، با وجود کوچکی و کمی سن، وفادارترین نوجوانان جهان بودند؛ زیرا آنانی که توان جنگیدن و مبارزه نظامی را داشتند، در رکاب عموی خود جنگیدند تا به شهادت رسیدند و آنانی که توان مبارزه را نداشتند، به اسارت درآمدند و پیام مظلومیت و حقانیت شهدای کربلا را به گوش جهانیان رسانیدند.

- پیام:

- به عهد خود وفادار باشیم.
- در امور مورد رضایت حق تعالی نسبت به اقوام، دوستان و یاران، باوفا باشیم و آنها را در لحظه های سخت تنها نگذاریم.

الگوگیری نوجوان امروز از نوجوان عاشورایی

نوجوان امروز، در انقلاب اسلامی ایران تمام توان خود را به کار گرفت و پا به پای بزرگ ترها در راه سرنگونی حکومت شاهنشاهی تلاش کرد. او با شرکت در راه پیمایی، شعار دادن علیه نظام، کمک به نیروهای انقلابی، مجروحان و فراریان، پخش اعلامیه و حتی دادن جان خود در این راه ثابت کرد که ادامه دهنده راه نوجوان عاشورایی است.

نوجوان امروز، در هشت سال دفاع مقدس ثابت کرد که هم چنان وفادار است، عاشورا را فراموش نکرده و در راه حفظ دین و وطن، حاضر به هر نوع جانبازی است. نوجوان عاشورایی، الگوی محمدحسین فهمیده و بهنام محمدی است که هیچ هراسی از مرگ نداشتند و با اراده خود، شهادت را انتخاب کردند.

نوجوان امروز، نوجوان فلسطینی است که سال هاست با سنگ و چوب، در مقابل سربازان رژیم اشغال گر قدس ایستادگی کرده است و پیام رسان مظلومیت مردم فلسطین به گوش جهانیان است. نوجوان فلسطینی همچون

قاسم، محمد، عون و... از مرگ نمی هراسد و جان خود را در راه دفاع از آرمان هایش فدا می کند. نوجوان امروز، به مقام ولایت خود، بنیان گذار انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب، عشق می ورزد، به او به دیده احترام می نگرد و به سخنانش گوش جان می سپرد. نوجوان امروز، تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا در عرصه های علمی، توانایی خود را به جهانیان ثابت کند و با کسب رتبه های بالا در مسابقه های علمی، پیام قدرت و توان مندی نوجوان مسلمان را به گوش جهانیان برساند.

منابع پیشنهادی در زمینه عاشورا و کودک و نوجوان

1. دست های تنهای من
پهلوانیان، احمد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1378، 63 صفحه.
2. غنچه خونین؛ شرح زندگانی و شهادت حضرت علی اصغر
زجاجی مجرد، مجید، کاشان، مرسل، چاپ اول، 1378، 128 صفحه.
3. اشکی بر سه ساله
حائری تبار (قحطانی)، محمد، تهران، عاشورا، چاپ اول، 1380، 306 صفحه.
4. داستان غم انگیز حضرت رقیه علیها السلام
شیرازی، علی، قم، خرم، چاپ اول، 1377، 88 صفحه.
5. داستان هایی از حضرت رقیه علیها السلام
میرخلف زاده، احمد و قاسم، قم، روحانی، چاپ اول، 1380، 96 صفحه.
6. ستاره درخشان شام؛ حضرت رقیه دختر امام حسین علیه السلام
ربانی خلخالی، علی، قم، مکتب الحسین، چاپ اول، 1377، 372 صفحه.
7. حضرت قاسم بن حسن علیه السلام ؛ شکوفه خونین کربلا
گلی زواره، غلامرضا، تهران، ام ابیها، چاپ اول، 1378، 176 صفحه.
8. عبدالله بن حسن علیه السلام ، محمد، عبدالله
کمال سید، مترجم: نثار احمد زین پوری، قم، انصاریان، جلد ششم، چاپ اول، 1377، 32 صفحه.
9. یاران کوچک حسین علیه السلام
موسی وادقانی، سید احمد، چاپ دوم، 1378، 245 صفحه.